

بررسی وضعیت سرخ‌پوستان آمریکا

رقیه الهوردی*

اشاره

سرخ‌پوستان آمریکا تنها ساکنان قاره آمریکا پیش از اکتشافات کریستف کلمب بودند. مردمانی که بعد از این اکتشافات بنا بر بعضی نظریه‌ها و عقیده‌ها هندی خوانده شدند در حالی که اصل آنان به متولهای زردپوست سیبری برمی‌گشت. اینان مردمانی ساده‌دل و بی‌آلایش بودند با زندگی ابتدایی و تقریباً وحشی که البته در داخل این قاره تمدنهای بزرگی پدید آمد. تمدنهایی که موجب حیرت تازه‌واردان و مهاجران می‌شد اما به زودی از این تمدنهای پیشرفته آثاری چند باقی نماند. امروز آمریکا جزء پیشرفته‌ترین کشورهای دنیاست، پیشرفتی که مرهون منابع طبیعی این سرزمین وسیع است. اما سهم پدران این سرزمین چیست؟ سرخ‌پوستانی که در طی قرن‌ها مولدین تمدنها و پیشرفتهای فراوانی بودند، همان پدران این سرزمین هستند که اکنون همه آنان به فراموشی سپرده شده‌اند و تنها یادی که از آنها می‌شود، درد و غناب و شکنجهای است که محصول ورود سفیدپوستان و تنها ارمغان آنها برای سرخ‌پوستان است. مردمانی که حق زندگی از آنها گرفته شده و در این کشور به عنوان موجوداتی زائد شناخته شده هستند.

پیدایش و منشأ اصلی سرخ‌پوستان

منشأ اصلی و گذشته این اقوام بعد از تحقیقات فراوان و دقیق هنوز در حاله‌ای از ابهام باقی مانده است و نمی‌توان با اطمینان انواع نظریه‌ها از سوی محققان را پذیرفت. ۲۰۰ میلیون سال پیش قاره‌ها به هم چسبیده بودند و یک خشکی واحدی را تشکیل می‌دادند. چند میلیون سال بعد به دو قاره بزرگ تقسیم شد و بعدها حدود ۱/۵ میلیون

* دانشجوی کارشناسی تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد.

سال پیش انسان به وجود آمد. این مقدمه نتیجه‌ای ندارد جز این که انسان بعد از جنا شدن خشکی یعنی آمریکای امروزی از کل آسیا و آفریقا و اروپا بوجود آمده است.^۱ همین طور ثابت شده که در آخرین دوره عصر یخبندان عده‌ای وارد این قاره شده‌اند و تقریباً در شمال آمریکای شمالی ساکن شده‌اند و این از طریق این موضوع یافت می‌شود که پژوهش‌های باستان‌شناسان نشان داده که در حدود ۲۳۸۰۰ سال پیش گروهی از انسانها که آتش را می‌شناختند و حتی آثار آن هم‌اکنون در غار تول اسپرینگز (Tulespring) در نوادا دیده شده در آمریکا زندگی می‌کردند و حتی آثار کشف شده در ایالت کلرادوی آمریکا از جمله وسایل دست ساخت آنها نشانگر وجود انسانهای اولیه در این قاره است.^۲

اکتشافات باستان شناسان

طی اکتشافات باستان شناسان نظریه دیگری به وجود آمد که وجود انسانهای اولیه را در این قاره نقض می‌کند. به طور مثال، در قاره‌های دیگر اسکلت‌های بین انسان و میمون مانند کرومانیون (cromagnon) و انسان نئاندرتال (Neandertal) را که نمونه‌هایی از انسان ماقبل تاریخ است، اصلاً در آمریکا یافت نشده. ریشه اصلی این ساکنان ناشناخته این گونه تشریح شده که حدود ۲۰ هزار سال پیش گروهی مهاجر از نژاد زرد مغولی از سرزمین سیبری و از طریق تنگه برینگ وارد این قاره شده‌اند و چون عصر یخبندان بوده، عبور و مرور از تنگه برینگ برای چندین ماه در سال آسان بود و یا از طریق جزایر دیومه یا آلوت که در آن زمان به قاره چسبیده بودند به راحتی امکان انتقال و مهاجرت به این قاره را یافته‌اند همچنین دلیل این نقل و انتقال را این گونه بیان کرده‌اند که این

۱ - صداقت، محمود: علوم زمین، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷.

۲ - حمیدی‌نیا، حسین: ایالات متحد آمریکا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷.

نژاد مغولی یا شبه مغولی برای جستجو و دسترسی به علوفه و چراگاههای سرسبز برای دامهایشان به این سرزمین آمده‌اند.^۱

البته در مورد اصل و ریشه سرخ پوستان فرضیات دیگری نیز آمده که به طور اختصار ذکر می‌شود:

«یعنی محققان اولین آمریکاییها را از ساکنان جزیره آتلانتیس که به زیرآب فرو رفت می‌دانند یا از قبایل ساکن در مودلموریا. همچنین ادعا شده است که از بازماندگان مصر کهن، بازماندگان ده قبیله گمشده یهود یا اخلاف لشکریان متواری کشتیهای جنگی اسکندر بوده‌اند. نظریه‌هایی که درباره خاستگاه بومیان ارائه شده، بسیار است و می‌توان به جز موارد نامبرده از نظریه‌های مالاکه پولنیزی، ژاپنی، چینی، فنیقی، آفریقایی و غیره نام برد»^۲

حال آن که فرضیه مورد قبول با دو دلیل آمده است: «اول این که با وجود تحقیقات بی‌شمار تاکنون در آمریکا استخوان انسانی که به ازمه پیش از عصر نوسنگی متعلق باشند، یافت نشد. در حالی که غار و زمین مناسب برای حفظ اسکلتهای قدیم در آمریکا کم نیستند. دوم این که بومیانی که از نژاد اصیل اند با پوستی گندمگون که اندکی به رنگ مس متمایل است و نیز با گونه‌های برجسته و چشمهای خرمایی تیره و موهای مشکی صاف کاملاً مشخصاتی شبیه مغولها یا بعضی مردم سیبری شمالی دارند.»^۳

این مهاجران با خود ابزارآلات و وسایل زندگی و در واقع شیوه زندگی خود را همراه آورده بودند. از جمله وسایل ریسندگی و رنگرزی، صیقلی کردن سنگها و وسایل جنگی مانند نیزه و چاقو و همچنین سگ را به عنوان حیوان اهلی و با دخانیات مانند توتون و تریاک آشنایی داشتند. بنابراین، می‌توان گفت این مهاجران که اکنون سرخ پوستان نامیده می‌شوند دارای ریشه واحدی با مغولان آسیا هستند که بعدها به دلیل جدایی

۱ - حمیدی‌نیا، حسین: همان، ص ۱۱۸.

۲ - کندری، مهران: فرهنگ و تمدن آمریکای میانه؛ آمریکا در عصر باستان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۳.

۳ - شوئل، ال. فرانک: آمریکا چگونه آمریکا شد؟ ترجمه ابراهیم صدقیانی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸، ص ۳.

مکانی و دور بودن و گذشت زمان تمایزی بین آنها به وجود آمد و در نتیجه تمدن جداگانه‌ای نیز داشتند اما در مورد ویژگیهای ظهری این سرخ پوستان، این که پوست آنها قهوه‌ای مایل به زرد یا مسی بود دارای گونه‌های برجسته‌ای بودند و گیسولن سیاه و صافی داشتند^۱

روش زندگی سرخ پوستان آمریکا

همان طور که در صفحات پیشین یادآوری شد سرخپوستان آمریکا تمدن ویژه و مستقل و کاملاً متمایز از سایر تمدنها داشتند. البته به معنای آن نیست که به طور کامل متفاوت بودند بلکه از جهاتی نیز شباهتهای زیادی با سایر تمدنها داشتند، ولی به دلیل جدایی و نداشتن ارتباط با دنیای قدیم می‌توان گفت که لاقط تفاوت‌هایی در شیوه و روش زندگی و استفاده از طبیعت و دیگر موارد با سایر قاره‌ها داشتند.

نحوه امرار معاش سرخ پوستان

کشاورزی در میان آنها بدون استفاده از گاوآهن می‌گذشت و کشت محصولات آنها به ذرت، لوبیا، سیب‌زمینی، مانیوک، کاکائو، توتون و پنبه محدود می‌شد.^۲ در واقع غذای اصلی آنها ذرت بوده و این موضوع را از روی لایه‌هایی در غار بت (Bat) در مکزیک دریافته‌اند که خرده‌های ذرت در آن نمایان بوده است.^۳ راه دیگر امرار معاش سرخ پوستان شکار بود، البته به اندازه مایحتاج روزانه خود. بیشترین شکار آنها خرس و گوزن و بخصوص بوفالو بود که در این سرزمین به حد وفور یافت می‌شد. همچنین از طریق ماهی‌گیری نیز روزگار می‌گذراندند.^۴

۱ - حمیدی‌نیا، حسین: همان، ص ۱۱۹.

۲ - حمیدی‌نیا، حسین: همان، ص ۱۱۹.

۳ - کندری، مهران: همان، ص ۱۷.

۴ - شیانی، مجید: تاریخ ایالات متحد آمریکا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۷، ص ۴: حمیدی‌نیا،

حسین: همان، صص ۱۲۱ - ۱۲۰.

اما در مورد شیوه زندگی بعضی از آنها در مناطقی که موقعیت مناسبی داشتند، ساکن شده و ثابت بودند. اما عده‌ای از قبایل سرخ پوست از منطقه‌ای به منطقه دیگر کوچ می‌کردند. قبایل ساکن خانه‌های خود را بعضی با درختان و بعضی با پوست حیوانات از جمله گاوهای وحشی درست می‌کردند و البته بعضی از آنها شیپها روی درختها و روز را زیر سایه درختان می‌گذرانند در بعضی از نقاط کلبه‌هایی که درست می‌کردند مستطیلی یا مخروطی شکل بود در بعضی منابع آمده که از اسب برای بارکشی استفاده می‌کردند ولی این نکته در منابع دیگر که از دیدن اسبهای مهاجران (اسپانیایی‌ها) متعجب می‌شد، این فرضیه را نقض می‌کند. مورد مشابه دیگر وجود سگ به عنوان حیوان اهلی که تناقضات بسیاری در این مورد به چشم می‌خورد.^۱

آداب و رسوم

سرخ پوستان احترام ویژه‌ای به طبیعت داشتند به همه مظاهر طبیعت مملو از جانداران و اشیای بی‌جان و در واقع آنها را انسانهای خوابیده می‌خواندند. بیشتر آنها برهنه زندگی می‌کردند و برای تزئین بدن خود، پره‌های پرندگان را به بدن می‌چسبانیدند و یا به سرشان نصب می‌کردند.^۲

همچنین بدن خود را با رنگ سرخ آغشته می‌کردند و این برای ترساندن دشمنان بود. خالکوبی خاصی داشتند و موهایشان را به شکل‌های خاصی آرایش می‌دادند و مردان نیز علاقه زیادی به آرایش چهره از خود نشان می‌دادند.^۳

بعضی قبایل در جزایر اطراف دارای اعتقادات و زندگی عقب مانده‌ای بودند تا جایی که مالکیت و حکومت را نمی‌شناختند، به کارهای سخت عادت نداشتند و بسیار کم می‌خوردند.

۱ - حمیدی‌نیا، حسین: همان، ص ۱۱۹؛ شوئل‌ال، فرانک: همان، ص ۴.

۲ - شیپانی، مجید: همان، ص ۸.

۳ - شوئل، ال. فرانک: همان، ص ۵.

رؤسای بعضی قبایل برای رسمیت دادن به صلح و پیمان با هم چپق دود می‌کردند و توتون را مقدس می‌دانستند. هرگاه خسوف و کسوف می‌شد به شدت می‌ترسیدند و گریه و لابه می‌کردند و دلیل آن در قسمت مذهب سرخ پوستان آورده خواهد شد.^۱

از روی تدفین مردگان پی به وجود سه طبقه اجتماعی برده‌اند که آن طبقات: ۱- کاهنان ۲- دهقانان و صنعتگران ۳- بردگان و خدمتکاران بودند. همچنین مشاغلی داشتند که به صورت ارثی بین نسلها انتقال داده می‌شد. آنها حتی دارای رقصهای متعددی بوده که جنبه مذهبی داشتند از جمله رقص گاو وحشی، رقص خورشید، رقص اسکالپ و رقص تیر و کمان.^۲ و اسیر شدگان خورده می‌شدند.^۳

آثار به جای مانده از تمدنهای آمریکای باستان

در قسمت تمدن سرخ‌پوستان به وجود علمی از جمله نجوم، علم هیأت و ستاره‌شناسی نیز اشارهای خواهد شد آنها حتی دارای خط تصویری نیز بودند از جمله اقوام مایا و آزتک.^۴

البته هنر نیز در این جوامع تا اندازه‌ای به پیشرفت شایانی رسیده بود و وجود آثار به جای مانده از آمریکای باستان باعث تعجب باستان‌شناسان شده است. این تمدنها دارای سفالینه‌های بسیاری بودند. از تندیسهای، کوچکی از زنان که کشف شده، پی به وجود دوره‌ی مادرسالاری در این جوامع می‌بریم. مانند سایر تمدنهای اولیه. بناهای سنگی مایا و ساپوتک از معروفترین بناهای برجای مانده از جمله هرم ال کاستیلو که ۲۳ متر ارتفاع دارد. هر کدام از تمدنها در زمینه‌ای از هنر از دیگران پیشی گرفته بودند به طور مثال، آزتکها در زرگری، تولتکها در فلزکاری، از روی نقاشیهای کشف شده در غارها و دیوارها

۱ - کسروی، احمد: *پیدایش آمریکا*، نگاه مطبوعاتی گوتنبرگ، تهران، ۱۳۳۹، ص ۸۹؛ شوئل، ال. فرانک: *همان*، صص ۴۷ - ۱۲.

۲ - کندری، مهران: *همان*، ص ۲۶؛ شوئل، ال. فرانک: *همان*، ص ۱۲.

۳ - شیانی، مجید: *همان*، صص ۲۵، ۲۴، ۱۲، ۸، ۵.

۴ - کندری، مهران: *همان*، ص ۱۱.

متوجه شده‌اند که آنها دارای آناتومی و چهره‌پردازی بسیار قوی بوده‌اند. هنر سفالگری بسیار گسترده بود و می‌توان مشابهت‌هایی بین هنر سفالگری بومیان آمریکا و هنر شانگ در چین یافت.^۱

حتی آثار مکتوبی از عصر پیش از کلاسیک و کلاسیک پیدا شده که قسمت اعظم آنها توسط مهاجران از بین رفته و توضیح این مورد نیز در بخش تمدن آورده خواهد شد.^۲

مذهب سرخ‌پوستان

مذهب در بین سرخ‌پوستان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود و در تمدنهای مختلف فرق می‌کرد یعنی هر تمدن دارای شیوه و رسومات خاص مذهبی خود بود.

عده‌ای از قبایل خورشیدپرست بودند و عده‌ای بت‌پرست. خورشیدپرستان معابد مجللی ساخته و آنها را تزئین می‌کردند همچنین بت‌پرستان دارای بتخانه‌های متعددی بودند که مراسم دینی خود را در این مکانها انجام می‌دادند. بعضی از قبایل دارای خدای فراوانی بودند و مانند ایران باستان ایزدهایی از جمله ایزد باران، ایزد آب و ایزد باروری ... داشتند. حال دلیل این که چرا بیشتر آنها به خورشیدپرستی روی آورده بودند این است که از زمانی که چشم‌باز کرده بودند خورشید را روشن‌کننده جهان و رویاننده گیاهان دیده بودند، بنابراین خورشید جایگاه ویژه‌ای در اذهان این مردم بومی داشت.^۳

آنها برای خدایان خود قربانیانی از بین انسانها انتخاب می‌کردند حتی از بین فرزندان خود که با وضعیت فجیعی او را برای خدایان قربانی کرده و بعضی از آنها گوشت قربانی را می‌خوردند که این موضوع نیز برای آنها بسیار مقدس و حائز اهمیت بود. آنها همچنین

۱ - کندری، مهران: همان، صص ۲۸، ۲۴، ۱۹.

۲ - کندری، مهران: همان، ص ۳.

۳ - کندری، مهران: همان، ص ۳۳؛ کسروی، احمد: همان، ص ۵۱.

به زندگانی بعد از مرگ اعتقاد داشتند که شرح این مطلب نیز در بخش تمدن‌ها ارائه خواهد شد.^۱

از آثاری که در مورد مذهب سرخ‌پوستان حاوی مطالبی است می‌توان به تصویر نگاشت فلورنتین (Florentine) اشاره کرد که در آن فصل‌های مفصلی در مورد خدایان، جشن‌ها و اسطوره‌ها و همچنین علم تقویم آورده شده است.^۲

قبایل سرخ‌پوستان

ساختار زندگی سرخ‌پوستان به صورت قبیله‌ای بود، بنابراین آنها دارای قبایل فراوان بودند و همین فراوانی باعث اختلاف شدید زبان نیز می‌شد و البته این قبایل به صورت پراکنده با جمعیت‌های بسیار کم زندگی می‌کردند از قبایل مهم می‌توان اسامی چند قبیله زیر را ذکر کرد:

پایوت (paiute)؛ شوشون (shoshone)؛ ترپرسه (Nezperce)؛ هویی (Hopi)؛ نااهو (Navajo)؛ آپاچی (Apaache)؛ پاوونی (pawnee)؛ شاین (cheyenne)؛ کرو (crow)؛ چوکتاو (choctaw)؛ سمینون (seminone)؛ چروکی (cherokee)؛ کریک (creek).^۳

هرکدام از این قبایل در ناحیه‌ای از ایالت و قاره پراکنده بودند و براساس وضعیت جوی و آب و هوا روش زندگی متفاوت داشتند و براساس امرار معاش به چند منطقه تقسیم شده بودند که به این ترتیب نامیده می‌شدند: سرخ‌پوستان منطقه ذرت، منطقه گاوحشی، منطقه کاریبو یا گوزن کانادایی، منطقه دانه و منطقه ماهی آزاد.^۴

پیش از این گفته شد که این قبایل به صورت پراکنده و دور از هم می‌زیستند، اما در اینجا می‌توان به بزرگترین اتحاد بین قبایل سرخ‌پوست اشاره کرد و آن اتحاد معروف پنج

۱ - کسروی، احمد: همان، صص ۱۹۶ - ۱۸۶.

۲ - کندری، مهران: همان، ص ۳.

۳ - نیمارت، جان، ج: گوزن سیاه سخن می‌گوید، ترجمه میترا پاشایی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۵۴.

۴ - شونل، ال. فرانک: همان، صص ۱۰ - ۷.

قبیله بزرگ و مهم در شرق ایالت بود و آن پنج قبیله عبارتند از: موهاوک (Mohawk)؛ ایندا (aneida)؛ آنانداک (anandaga)؛ کایوگا (cayuga)؛ وسنکا (seneca). این پنج قبیله در حدود سال ۱۴۰۰ میلادی تحت نام ایروکویس (Iroquois) با یکدیگر متحد شدند و کنفدراسیونی به نام پنج ملت و با ریاست هیاواتا (Hiawatha) رئیس قبیله موهاوک به وجود آوردند.^۱

روابط میان بومیان و مهاجران (اسپانیایی‌ها)

قبل از هر چیز آنچه به ذهن می‌رسد و پررنگتر از دیگر مطالب است و ابتدا و انتهای این بخش را شامل می‌شود جنایتهای مهاجرین اروپایی است که در طول ۴۰۰ سال اقامت خود مرتکب شدند.^۲

توصیف سرخ‌پوستان از زبان مهاجران

در ابتدا به اولین رابطه‌ای که میان بومیان و مهاجران رخ داد اشاره می‌کنیم. زمان آن مربوط به قرن شانزدهم است و شاید کریستف کلمب اولین غیربومی بود که با آنان رابطه برقرار کرد. در این بین بعضی بومیان البته بیشتر بومیان ساکن در جزیره‌های اطراف از دیدن انسانهایی که بسیار با آنها فرق می‌کردند فرار می‌کردند و در بعضی جزایر نیز رفتار بسیار خوب و مهربانی داشتند که بیشتر به دنبال معامله و تجارت بودند. مبادله کالاهای قیمتی، زیورآلات و دست‌ساخته‌های خود با اشیاء ناچیز اسپانیایی‌ها. اکثر آنها برهنه بودند و در بعضی جزایر حالت نیمه‌وحشی داشتند.^۳

نمونه‌ای از توصیف کلمبوس از بومیان نزد ملکه «سوگند می‌خورم که در جهان سرزمین بهتر از آنجا و مردمی بهتر از مردم آنجا نیست آنان همسایگان خود را دوست

۱ - حمیدی‌نیا، حسین: همان، ص ۱۲۰.

۲ - میرلوحی، هاشم: *آمریکا بدون نقاب*، کیهان، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۴.

۳ - شوئل، ال. فرانک: همان، ص ۴۵.

می‌دارند. بداندسان که خودشان را دوست می‌دارند. سخن گفتن آنها بسیار شیرین است و هر جمله‌ای با لبخندی توأم می‌باشد راست است که تن‌هایشان برهنه است. ولی رفتارشان آراسته و در خور ستایش می‌باشد»^۱.

توصیف‌های بسیاری از آنها شده که خود کلمب و همراهانش آنها را ذکر کرده‌اند، توصیف‌هایی از صورت ظاهری آنها و در جای دیگر این‌گونه توصیف شده‌اند که «روی هم رفته مردمی وحشی و از تمدن بی‌بهره بودند، آهن را هنوز نشناخته و افزارهای آهنی و مسی نمی‌داشتند و از چارپایان خانگی چیزی در میان ایشان دیده نمی‌شد»^۲.

چنان که گفته شد بومیان رفتار بسیار مناسب و مؤدبانه‌ای با مهاجران داشتند و ساده‌دلانه با هدایا از آنان استقبال می‌کردند.

ظلم و ستم اروپائیان و مقابله‌ی بومیان

اما از سوی دیگر اسپانیایی‌ها ستمگر و جاه‌طلب بودند و رفتار بدی با آنها داشتند و از سادگی و زودبآوری آنها سوء استفاده می‌کردند. کم‌کم زمینها و اموال آنها را تصاحب می‌کردند و خودشان را که به کارهای سخت عادت نداشتند به بردگی می‌گرفتند و کار می‌کشیدند، بهانه آنها هم این بود که در این شرایط و هوای گرم فقط بومیان که به آن وضعیت خو گرفته بودند می‌توانستند کار کنند. اما اندیشه بومیان ساده دل در مورد آنها این‌گونه بود که در ابتدا فکر می‌کردند مهاجران به خاطر گرسنگی به سرزمین آنها آمده‌اند و روزی برمی‌گردند، اما خانه‌ها و مزارع ساخته شده توسط مهاجران آنان را آگاه ساخت اما چقدر دیر. بنابراین تصمیم به مقابله گرفتند در حالی که سلاحهای ابتدایی آنها در مقابل توپهای سنگین و سلاحهای پیشرفته اسپانیایی‌ها توان مقابله نداشت.^۳

۱ - کسروی، احمد: همان، ص ۹۳.

۲ - کسروی، احمد: همان، ص ۳۵.

۳ - کسروی، احمد: همان، صص ۱۴۶، ۹۵، ۵۸.

از دیگر سو، بومیان مهاجران را به دلیل روشنی پوستشان فرزندان خورشید می‌دانستند و همین موضوع از دلایل پیشرفت و نفوذ راحت آنان در این قاره شد، بنابراین با مراجعه به کاهنان این نتیجه را گرفتند که باید شب به آنها حمله کنند زیرا در روز از پدر خود خورشید نیرو می‌گیرند و شب از خورشید پدر خبری نیست و البته حمله نیز کردند ولی دوباره تسلیم سلاحهای پیشرفته اسپانیایی‌ها شدند و شکست خوردند.^۱

همچنین اسپانیایی‌ها سعی می‌کردند بومیان را به دین خود یعنی مسیح درآورند، چرا که آنان را بت‌پرست می‌دانستند. حتی آثار آنان را که با خطی نزدیک به هیروگلیفی در رابطه با مذهبشان نوشته بودند توسط روحانیون از بین بردند. البته سطح تفکر و هوش بومیان در هر جزیره و منطقه کاملاً متمایز بود.^۲

از دیگر موارد ساده‌دلی و زودباوری آنها و سوء استفاده‌ی مهاجران می‌توان به زیرکی کریستف کلمب اشاره کرد. او در یک موقعیت مناسب برای ترساندن بومیان، چون زمان خسوف را می‌دانست اعلام کرد که این خشم خدا بر شماست که به فرزندان خورشید تعرض کرده‌اید و بومیان نیز باور کرده و عکس‌العمل دلخواه کلمب را نشان دادند. مهمترین دلیل اصرار مهاجران بر ماندن و استفاده از بومیان این بود که به دلیل پیدا کردن طلا آنها را برده می‌گرفتند و هرکس سرپیچی می‌کرد او را شکنجه کرده و می‌کشتند. از جمله جنایتهای دیگر آنها سوزاندن یک دهکده بومی موقعی که همه آنها خواب بودند به فرماندهی کاپیتان جان میون بود.^۳

رفتارهای وحشیانه‌ی مهاجران منجر به ایجاد تشنج و درگیری و سرانجام جنگهای خونینی بین دو طرف شد، از جنگهای معروف آنها می‌توان به یوکوتها در سال ۱۶۳۷ میلادی در نیوانگلند نام برد و بقیه جنگها عبارتند از: یاماسیس، فیلیپ شاه، توسکاروراس

۱ - کسروی، احمد: همان، ص ۱۴۶.

۲ - کسروی، احمد: همان، صص ۱۸۷ - ۱۰۸.

۳ - کسروی، احمد: همان، ص ۸۹؛ هوبرومن، لئو: ما مردم، آنچه بر مردم آمریکا گذشت، ترجمه حشمت کامران، علم و تکاپو، تهران، ۱۳۶۰، ص ۲۵.

و ... در بعضی موارد بومیان چون توانایی مقابله در برابر سلاحهای آتشین مهاجران نداشتند به آنان پیشنهاد صلح نیز می‌دادند. می‌توان به جرأت گفت عده بیشماری از بومیان در این جنگها کشته شدند. از دلایل دیگر مرگ و میر سریع بومیان مبتلا شدن به بیماریهایی بود که اروپائیان با خود آورده بودند.^۱

حال دلیل عقب‌نشینی و انعطاف اولیه سرخ‌پوستان در مورد تصاحب زمینها توسط مهاجران را این‌گونه می‌آوریم که زمینها به نسبت پراکندگی سرخ‌پوستان و جمعیت کم آنها از وسعت زیادی برخوردار بود و آنان متوجه خطر نبودند و حتی مفهوم مالکیت را نیز نمی‌دانستند، به گونه‌ای که پای سندهای تهیه شده از سوی مهاجران غاصب را نیز انگشت می‌زدند.^۲

ناگفته نماند که اسپانیایی‌ها نیز و به طور کل اروپائیان چیزهای زیادی از بومیان یاد گرفتند «به طوری که امروزه هزار چندگاه یک بار بسیاری از آمریکائیان، اروپائی، آفریقائی، و آسیایی به تبار به عنوان منبع الهامات جدید به مذهب سرخ‌پوستان رو می‌کنند. عمده‌ترین خصوصیت این مذهب روحیه احترام به طبیعت و تقویت احساسی از همبستگی گروهی میان جامعه‌های مردمی است.»^۳

تمدنهای سرخ‌پوستان آمریکا

سرخ‌پوستان آمریکا دارای تمدنهای پیشرفته‌ای بودند که البته ممکن است چندین سال از تمدنهای اروپایی و آسیایی عقب بودند، اما موجب شگفتی است. از جمله آن تمدنها می‌توان تمدن مایا، تولتک، آزتک و اینکا را نام برد، که در اینجا به‌طور مختصر دو تمدن آزتک و اینکا را معرفی می‌کنیم.

۱ - شوئل، ال. فرانک: همان، ص ۴۹؛ کسروی، احمد: همان، ص ۹۴.

۲ - شوئل، ال. فرانک، همان، ص ۴۷.

۳ - سودتکه، لوتراس: ساخته تمدن آمریکا، ترجمه شهرام ترابی، دفتر مطالعات سیاسی، تهران، ۱۳۷۹،

آزتک

این اقوام در قرن دوازدهم میلادی وارد فلات مرکزی مکزیک شدند و در زمان حمله اسپانیایی‌ها بر مکزیک و آمریکای مرکزی حکومت می‌کردند.^۱ در ابتدا دارای قلمروی کوچکی بودند، اما با ساختن شهر تنوچ تیتلان وسعت امپراتوری گسترش یافت. در این پایتخت معابد با شکوه و راههای آبی و فضای سبز ایجاد کردند. آنها در ریاضیات و هنر و معماری و ستاره‌شناسی مهارت فوق‌العاده‌ای داشتند. همچنین از خط تصویری استفاده می‌کردند. از دیگر آثار تمدن در میان این اقوام استفاده از سامانه‌بستی بود که تا آن زمان در اروپا رایج نبوده همچنین شاهراههای بزرگ محل عبور و مرور و نقل و انتقالات بوده است. مذهب عمده این اقوام بت‌پرستی بود که برای بت‌های خود از انسانها قربانی می‌کردند و دلیل شوق آنها به جنگ کردن نیز گرفتن اسیر برای قربانی کردن خدایان بود. از دیگر مظاهر تمدن وجود خانه‌های بزرگ و آب شیرین و داشتن تقویم که در آن، سال را خورشیدی می‌گرفتند و به ۳۶۰ روز که به ۱۸ بخش ۲۰ روزه تقسیم می‌شد و ۵ روز آخر سال را مانند ایرانیان باستان جشن می‌گرفتند. دارای قانون مشخصی بودند و اما در مورد حکومت آنها که یک حکومت دموکراسی بود و از اشراف انتخاب می‌شدند. آخرین پادشاه این تمدن «مونتته زومای دوم» بود که به دست کورتیز کشته شد.^۲

اینکا

شکل‌گیری این تمدن بین سده‌های ۱۱ تا ۱۵ میلادی به تدریج صورت گرفت. این تمدن به دلیل قلمرو وسیع، دارای ارتش قوی بود. سرزمین وسیعی که شامل سرزمینهای پرو، اکوادور، بولیوی و بخشهایی از شیلی و آرژانتین امروزی می‌شد.^۳

۱ - نیدرکانگ، مارسل: بیست کشور آمریکای لاتین، ترجمه محمد قاضی، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۶، ص ۵۸۰.

۲ - کسروی، احمد: همان، صص ۱۹۶-۱۹۴.

۳ - حمیدی‌نیا، ایالات متحده آمریکا، ص ۱۲۳.

آنها دارای کشاورزی پیشرفته و مانند آرتکها پل و راهسازی کرده و خانه‌های بزرگ ساختند. همچنین در معماری و بافندگی و سرامیک و فلزکاری نیز پیشرفتهایی کرده بودند. در نقاشی و پیکرنگاری نیز چیره‌دست بودند، اما آنها دارای خط نبودند و همین نقص بزرگ آنها بود. حیوان اهلی آنها لاما و مذهب آنان خورشیدپرستی بود. خورشید را خدای بزرگ و ماه را خدای کوچک می‌دانستند. تنها عادت بد آنها دفن کردن اطرافیان مرده بود. مثلاً وقتی هواناگاپاک پادشاه محبوب آنها مُرد، هزار تن از اطرافیان او را کشتند و کنار او به خاک سپردند. آتاهوالپا، فرزند او بود که با حمله پیزارو کشته شد همچنین او آخرین پادشاه نیز بود. حکومت اینکاها برخلاف آرتکها سلطنتی و موروثی بود.^۱



۱ - کسروی، پیدایش آمریکا، ص ۲۵۸ و ۲۰۸ و ۲۰۶.

کتابنامه

- ۱- جان ینهارت، ج: *موزن سیاه سخن می‌گوید*، ترجمه میترا پاشایی، تهران، ۱۳۷۸ خورشیدی.
- ۲- حمیدی‌نیا، حسین: *ایالات متحد آمریکا*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۱ خورشیدی.
- ۳- شوئل، ال. فرانک: *آمریکا چگونه آمریکا شد*، ترجمه ابراهیم صدقیانی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸ خورشیدی.
- ۴- شیبانی، مجید: *تاریخ ایالات متحد آمریکا*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۷ خورشیدی.
- ۵- صداقت، محمود: *علوم زمین*، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی، تهران، ۱۳۸۱ خورشیدی.
- ۶- کسروی، احمد: *پیدایش آمریکا*، بنگاه مطبوعاتی گوتنبرگ، تهران، ۱۳۳۹ خورشیدی.
- ۷- کندری، مهران: *فرهنگ و تمدن آمریکای میانه*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگ، تهران، ۱۳۶۹ خورشیدی.
- ۸- لودتکه، لوتراس: *ساخته شدن آمریکا*، ترجمه شهرام ترابی، دفتر مطالعات سیاسی، تهران، ۱۳۷۹ خورشیدی.
- ۹- میرلوحی، هاشم: *آمریکا بدون نقاب*، کیهان، تهران، ۱۳۸۰ خورشیدی.
- ۱۰- نیدرکانگ، مارسل: *بیست کشور آمریکای لاتین*، ترجمه محمدقاضی، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۶ خورشیدی.
- ۱۱- هوبرمن، لئو: *ما مردم، آنچه بر مردم آمریکا گذشت*، ترجمه حشمت کامران، علم و تکاپو، تهران، ۱۳۶۰ خورشیدی.